

امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت سجاد علیه السلام روایت کرده است که فرمود: از اعمال بعد از عصر روز جمعه خواندن این دعا است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْهَجْتَ سَبِيلَ الدَّلَالَةِ عَلَيَّ بِأَعْلَامِ الْهُدَايَةِ بِمَنِّكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَأَقَمْتَ لَهُمْ مَنَارَ الْقَصْدِ إِلَى طَرِيقِ أَمْرِكَ بِمَعَادِنِ لُطْفِكَ، وَتَوَلَّيْتَ أَسْبَابَ الْإِنَابَةِ إِلَيْكَ بِمُسْتَوْضِحَاتٍ مِنْ حُجَجِكَ، قُدْرَةً مِنْكَ عَلَى اسْتِخْلَاصِ أَفْاضِلِ عِبَادِكَ، وَحَظًّا لَهُمْ عَلَى أَدَاءِ مَضْمُونِ شُكْرِكَ،

خداوندا تو راه راهنمایی به سویت را آشکار ساختی، با پرچم‌های هدایت به منتت بر آفریدگانت، و برای آنان به پاداشتی مشعل آهنگ نمودن به راه فرمانت را به وسیله معدن‌های لطفت، و بر عهده گرفتی وسایل بازگشت به سویت را با حجت‌های بیان شده‌ات، قدرتی از تو بر رها ساختن بندگان برترت و بهره‌ای برای آنان بر ادای محتوای شکر،

وَجَعَلْتَ تِلْكَ الْأَسْبَابَ لِخَصَائِصٍ مِنْ أَهْلِ الْإِحْسَانِ عِنْدَكَ، وَذَوِي الْحِبَاءِ لَدَيْكَ، تَفْضِيلًا لِأَهْلِ الْمَنَازِلِ مِنْكَ، وَتَعْلِيمًا أَنَّ مَا أَمَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ مُبْرَأً مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ، وَشَاهِدًا فِي إِمْضَاءِ الْحُجَّةِ عَلَى عَدْلِكَ وَقَوَامِ وَجُوبِ حُكْمِكَ.

و قرار دادی آن وسایل را برای خاصان از اهل احسان در نزد تو، و صاحبان عطا در پیشگاهت، برای برتری دادن صاحبان منزلت‌ها از ناحیه تو، و یاد دادن اینکه آنچه را فرمان داده‌ای دور است از نیرو و قدرت جز به تو، و گواهی در اجرای حجت بر دادگری‌ات، و پایدار ساختن وجوب حکمت.

اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ الْمَعْرِفَةَ بِذَلِكَ إِلَيْكَ، وَوَقَّعْتُ بِفَضِيلَتِهَا عِنْدَكَ، وَقَدَّمْتُ الثَّقَةَ بِكَ وَسَبِيلَةَ فِي اسْتِنْجَازِ مَوْعُودِكَ، وَالْأَخْذِ بِصَالِحِ مَا نَدَبْتَ إِلَيْهِ عِبَادَكَ، وَانْتِجَاعاً بِهَا مَحَلَّ تَصَدِيقِكَ، وَالْإِنْصَاتِ إِلَى فَهْمِ عِبَاوَةِ الْفِطَنِ عَنْ تَوْحِيدِكَ،

خداوندا، معرفت آن را نزد تو شفیع قرار داده‌ام، و اطمینان یافتن به فضیلتش نزد تو و تقدیم داشتن اطمینان به تو را، وسیله‌ای در انجام یافتن وعده‌ات و عمل به نیکوی آنچه فراخواندی به سوی آن بندگان را، و طلب احسان به آن، در محل تصدیقت، و گوش فرا دادن به فهم نفهمی زیرکی‌ها نسبت به توحیدت،

عِلْمًا مِّنِّي بِعَوَاقِبِ الْخَيْرِ فِي ذَلِكَ، وَاسْتِرْشَادًا لِبُرْهَانِ آيَاتِكَ، وَاعْتِمَادُكَ حِرْزًا وَاقِيًّا مِنْ دُونِكَ، وَاسْتَنْجَدْتُ
الْإِعْتِصَامَ بِكَ كَافِيًّا مِنْ أَسْبَابِ خَلْقِكَ، فَأَرِنِي مُبَشِّرَاتٍ مِنْ إِجَابَتِكَ تَفِي بِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَتَنْفِي عَوَارِضِ التُّهْمِ
لِقَضَائِكَ، فَإِنَّهُ صَمَانُكَ لِلْمُجْتَدِينَ وَوَفَاؤُكَ لِلرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ.

با آگاهی من از عاقبت به خیری‌ها در آن، و راهنمایی جستن برای برهان آیت‌هایت، و تو را اعتماد نمودم
پناهی حفظ کننده از غیر تو، و یاری خواستم در پناه جستن به تو که کفایت کنی از عوامل آفریدگانت، پس به
من بنمای مژده دهندگانی را از اجابتت که خوش گمانی به تو را وفا کند، و نفی کند عارضه‌های تهمت‌ها را
نسبت به قضایت، که آن ضمانت تو برای درخواست کنندگان است و وفایت برای مشتاقانت می‌باشد.

اللَّهُمَّ وَلَا أَدْلَنَّ عَلَيَّ التَّعَزُّزُ بِكَ، وَلَا أَسْتَفْقِينَنَّهُجَ الصَّلَاةِ عَنْكَ وَقَدْ أَمَّتْكَ رَكَائِبُ طَلِبَتِي، وَأُنِيحَتْ نَوَازِعُ الْأَمَالِ
مِنِّي إِلَيْكَ، وَنَاجَاكَ عَزْمُ الْبَصَائِرِ لِي فِيكَ، اللَّهُمَّ وَلَا أُسَلِّبَنَّ عَوَائِدُ مِنْكَ غَيْرَ مُتَوَسِّمَاتٍ إِلَيَّ غَيْرِكَ.

خداوندا خوار نشوم در حالی که از تو عزت می‌جویم، و پیروی نکنم راه گمراهی از تو را، در حالی که مرکب‌های
خواسته‌ام آهنگ تو نموده، و کشش‌های آرزوهایم فرود آورده شده‌اند نزد تو، و عزم بصیرت‌های من نسبت به
تو، ندایت داده‌است. خداوندا الطاف منت‌هایت از من گرفته نشود در حالی که از غیر تو به دست نمی‌آیند.

اللَّهُمَّ وَجَدُّ لِي وَضَلَّةَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَاصْدُدْ قَوِي سَبَبِي عَنْ سِوَاكَ حَتَّى أَفِرَّ عَنْ مَصَارِعِ الْهَلَكَاتِ إِلَيْكَ، وَأُحْتِ
الرَّحْلَةَ إِلَى إِيْتَارِكَ بِاسْتِظْهَارِ الْيَقِينِ فِيكَ، فَإِنَّهُ لِأَعْدَرٍ لِمَنْ جَهَلَكَ بَعْدَ اسْتِعْلَاءِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَلَا حُجَّةَ لِمَنْ اخْتَزَلَ
عَنْ طَرِيقِ الْعِلْمِ بِكَ مَعَ إِزَاحَةِ الْيَقِينِ مَوَاقِعَ الشُّكُوكِ فِيكَ، وَلَا يُبَلِّغُ إِلَى فَضَائِلِ الْقِسْمِ إِلَّا بِتَأْيِيدِكَ وَتَسْدِيدِكَ،
فَتَوْلَنِي بِتَأْيِيدٍ مِنْ عَوْنِكَ، وَكَافِنِي عَلَيْهِ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ.

خداوندا تازه گردان رابطه تنها پیوستن به تو را، و باز بدار نیروهای ارتباطم به غیر تو را تا از افتادن‌های
هلاکت بار به سوی تو بگریزم، و بشتابم حرکت را به سوی ترجیح دادنت، با نیروگرفتن از یقین به تو، که نیست
عذری برای آنکه تو را نشناسد پس از بلندی یافتن ستایش تو، و حجتی نیست آن را که بریده است از راه آگاهی
به تو با وجود دور کردن یقین، جایگاه‌های شک به تو را، و رسیده نشود به برتری‌های بهره‌ها جز به تأیید و
توفیقت، پس مرا سرپرستی کن با تأییدی از یاری‌ات، و پاداشم ده بر آن به عطای فراوانت.

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَلَيَّ أَحْسَنُ الثَّنَاءِ، لِأَنَّ بَلَاءَكَ عِنْدِي أَحْسَنُ الْبَلَاءِ، وَأَوْقَرْتَنِي نِعْمًا وَأَوْقَرْتُ نَفْسِي ذُنُوبًا، كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ
 أَسْبَغْتَهَا عَلَيَّ لَمْ أُؤَدِّ شُكْرَهَا، وَكَمْ مِنْ خَطِيئَةٍ أَحْصَيْتَهَا عَلَيَّ أَسْتَحْيِي مِنْ ذِكْرِهَا، وَأَخَافُ جَزَاءَهَا، إِنْ تَعَفَّ لِي عَنْهَا
 فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ، وَإِنْ تُعَاقِبَنِي عَلَيْهَا فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنَا.

خداوندا، مدح و ثنا می‌کنم تو را به نیکوترین ثنا زیرا که لطف تو نزد من بهترین لطف است سنگین ساختی
 برای من نعمت‌ها را و من سنگین کردم گناهان را، چه بسیار نعمت‌ها که فراوان داده‌ای مرا و سپاسش را به جا
 نیاوردم و چه بسیار خطاها که بر من گرد آورده‌ای که شرم دارم از یاد کردن آنها، و می‌ترسم از کیفرشان! اگر
 عفو کنی آنها را تو شایسته آن هستی، و اگر کیفر دهی مرا بر آنها من شایسته آن هستم.

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتَكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتَكَ، فَإِنِّي أَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَذْكُرُ لَكَ حَاجَتِي وَأَشْكُو إِلَيْكَ
 مَسْكَنتِي وَفَاقَتِي وَقَسْوَةَ قَلْبِي وَمَيْلَ نَفْسِي، فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾، وَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي
 قَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ،

خداوندا، رحم کن ندایم را هر گاه تو را ندا دهم، و روی آور به من هرگاه با تو راز گویم، که من اعتراف می‌کنم
 برای تو به گناهانم، و عرضه می‌دارم برایت حاجتم را، و شکایت می‌کنم به درگاهت بیچارگی و فقر و سنگدلی
 و میل نفسانی‌ام را، همانا تو فرموده‌ای: «آنها نه اظهار بیچارگی کردند نزد پروردگارشان و نه تضرع می‌نمایند»
 و اینک این منم ای که به تو پناه جستم،

وَقَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا عِنْدَكَ، تَرَانِي وَتَعَلِّمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَتَعْرِفُ
 حَاجَتِي وَمَسْكَنتِي وَحَالِي وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَبْتَدِيَّ فِيهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَالَّذِي أَرْجُو مِنْكَ فِي عَاقِبَةِ أَمْرِي،
 وَأَنْتَ مُحْصٍ لِمَا أُرِيدُ التَّفَوُّهَ بِهِ مِنْ مَقَالِي.

و در پیشگاهت نشست‌ام با اظهار بیچارگی و تضرع می‌نمایم نزد تو، امیدوارم به آنچه نزد توست، مرا می‌بینی
 و می‌دانی آنچه را که در خاطر دارم، و می‌شنوی سختم را، و می‌دانی نیاز و بیچارگی‌ام را، و حالم و گذرگاه و
 منزلگاهم را. و آنچه را می‌خواهی که سختم را در مورد آن آغاز کنم، و آنچه را در عاقبت امرم از تو امید دارم،
 در حالی که تو گرد آورنده‌ای آنچه را می‌خواهم بر زبان آورم از گفتارم.

جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ بِأَسْبَابِي وَمَا يَكُونُ مِنِّي فِي سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَّتِي، وَأَنْتَ مُتِمُّ لِي مَا أَخَذْتَ عَلَيْهِ مِيثَاقِي، وَيَبْدِكَ لِأَ
 يَبْدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنُقْصَانِي.

مقدر شده‌هاست به سبب‌هایم جریان دارد و به آنچه از من صادر شود در پنهان و آشکارم، و تو کامل کننده هستی، آنچه را از من پیمان گرفته‌ای بر آن، و در دست توست نه در دست دیگری فزونی و کاستی‌ام.

فَأَحَقُّ مَا أَقَدَّمُ إِلَيْكَ قَبْلَ الذِّكْرِ لِحَاجَتِي، وَالتَّفَوُّهُ بِطَلْبَتِي، شَهَادَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَإِفْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ الَّتِي صَلَّتْ عَنْهَا الْأَرَاءُ، وَتَاهَتْ فِيهَا الْعُقُولُ، وَقَصُرَتْ دُونَهَا الْأَوْهَامُ، وَكَلَّتْ عَنْهَا الْأَحْلَامُ وَانْقَطَعَ دُونَ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا مَنْطِقُ الْخَلَائِقِ،

پس شایسته‌ترین چیزی که مقدم بدارم در پیشگاهت، پیش از بیان نیازم و لب گشودن به خواسته‌ام، گواهی دادن من است به یگانگی‌ات و اقرار من به پروردگاری‌ات که اندیشه‌ها از آن گمراه گشته، و سرگشته شد در آنها خرده‌ها، و کوتاه آمد در برابر آنها خیال‌ها، و باز ماند از آنها اندیشه‌ها و بریده گشت در برابر شناخت حقیقت آنها سخن آفریدگان،

وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ وَصْفِهَا فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَبْلُغَ شَيْئاً مِنْ وَصْفِكَ، وَيَعْرِفَ شَيْئاً مِنْ نَعْتِكَ إِلَّا مَا حَدَّثَتْهُ وَوَصَفَتْهُ وَوَقَفَتْهُ عَلَيْهِ وَبَلَّغَتْهُ إِيَّاهُ. فَأَنَا مُفِرٌّ بِأَنِّي لَا أَبْلُغُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِكَ، وَتَقْدِيسِ مَجْدِكَ، وَتَمَجِيدِكَ وَكَرَمِكَ، وَالثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَالْمَدْحِ لَكَ،

و باز ماند زبان‌ها از رسیدن به نهایت وصف آنها، پس کسی را نیست که به چیزی از توصیفت برسد، و بشناسد چیزی را از وصفت، جز آنچه تو تعریف نموده و توصیف کرده و او را بر آن آگاه نموده و به آن رسانده باشی، که من اقرار می‌کنم به اینکه نمی‌رسم به آنچه تو شایسته آن هستی از بزرگداشت عظمتت، و پاک دانستن شکوهت، و ثنایت و کرمت، و ستایش نمودن تو را، و ستودنت،

وَالذِّكْرِ لِالْإِثْمِ، وَالْحَمْدِ لَكَ عَلَى بِلَائِكَ وَالشُّكْرِ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ، وَذَلِكَ مَا تَكَلَّ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ، وَتَعَجَّرَ الْأَبْدَانُ عَنْ أَدَاءِ شُكْرِهِ، وَإِفْرَارِي لَكَ بِمَا اخْتَطَبْتُ عَلَى نَفْسِي، مِنْ مُوبِقَاتِ الذُّنُوبِ الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي، وَأَخْلَقْتَ عِنْدَكَ وَجْهِي، وَلِكَبِيرِ خَطِيئَتِي، وَعَظِيمِ جُرْمِي.

و یاد کردن نعمت‌هایت، و سپاس گفتن بر الطافت، و شکرگزاری بر نعمت‌هایت، و آن چیزی است که زبان‌ها از وصفش بازمانند، و ناتوان شدند بدن‌ها از انجام شکرش، و اقرار برای تو، به آنچه بر خود وارد نموده‌ام، از گناهان هلاکت باری که مرا نابود ساخته، و چهره‌ام را نزد تو زشت گردانیده‌اند، و خطای بزرگ و جرم بزرگم.

هَرَبْتُ إِلَيْكَ رَبِّي، وَجَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْلَايَ، وَتَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ سَيِّدِي، لِأَقْرَرَ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَبِوُجُودِ رُبُوبِيَّتِكَ، وَأُتْنِي عَلَيْكَ بِمَا أَنْتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، وَأَصْفَكَ بِمَا يَلِيْقُ بِكَ مِنْ صِفَاتِكَ، وَأَذْكَرُ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ مَعْرِفَتِكَ،

به سوی تو گریخته‌ام پروردگرم، و در پیشگاهت نشسته‌ام مولایم و نزد تو تضرع نموده‌ام سرورم، تا اقرار نمایم برای تو، به یگانگی‌ات و به وجود پروردگاری‌ات، و ستایش کنم تو را به آنچه تو خود را ستوده‌ای، و وصف نمایم تو را به آنچه شایسته‌تو باشد از صفت‌هایت، و یاد کنم آنچه را به من نعمت داده‌ای از شناختت،

وَأَعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَسْتَغْفِرُكَ لِخَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ مِنْهَا إِلَيْكَ، وَالْعَوْدَ مِنْكَ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ لَهَا، فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ وَقُلْتَ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

و اعتراف کنم برای تو به گناهانم و از تو آمرزش بخواهم برای خطایم، و از تو بخواهم بازگشت از آنها را به سوی تو، و بازگشت تو را بر من، با بخشیدن آنها، که تو فرموده‌ای: «از پروردگارتان مغفرت بجوید که او بسیار بخشنده است» و فرموده‌ای: «مرا بخوانید اجابت می‌کنم شما را همانا آنان که تکبر می‌ورزند از عبادتم با خواری به جهنم خواهند رفت.»

إِلَهِي إِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ لِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، اِلْتِمَاسًا مِنْنِي لِرَحْمَتِكَ، وَرَجَاءً مِنْنِي لِعَفْوِكَ، فَإِنِّي لِرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ أَرْجُو مِنْنِي لِعَمَلِي، وَرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَتَوَلَّ الْيَوْمَ قَضَاءَ حَاجَتِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَتَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيَّكَ،

خدای من، به تو اعتماد کردم در برآورده ساختن نیازم، و بر تو عرضه نمودم امروز فقرم را و بی‌چیزی‌ام را، التماس می‌کنم رحمتت را، و امیدوارم به عفو، که من به رحمت و عفو از عملم امیدوارترم، و رحمت و عفو تو از گناهانم گسترده‌ترند، پس بر عهده گیر امروز بر آوردن حاجتم را به قدرتت بر آن، و آسان بودن آن برای تو،

فَإِنِّي لَمْ أَرْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، فَارْحَمْنِي سَيِّدِي يَوْمَ يُفْرِدُنِي النَّاسُ فِي حُفْرَتِي، وَأَفْضِي إِلَيْكَ بِعَمَلِي، فَقَدْ قُلْتَ سَيِّدِي: ﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾.

که من هرگز ندیده‌ام خیر و خوبی را جز از ناحیه تو، و دور نساخته است بدی را از من کسی جز تو، پس مرا رحم کن سرورم روزی که مردم مرا تنها در گورم می‌گذارند، و با عملم به سوی تو می‌رسم، که تو ای سرورم گفته‌ای: «و نوح ما را ندا داد و ما بهترین اجابت‌کنندگانیم.»

أَجَلٌ، وَعِزَّتِكَ سَيِّدِي لِنِعْمِ الْمُجِيبِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمَدْعُوِّ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمُسْتَعَانِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الرَّبِّ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْقَادِرِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْخَالِقِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمُبْدِيِّ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمُعِيدِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمُسْتَعَاثِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الصَّرِيحِ أَنْتَ.

باری! سوگند به عزتت ای سرورم که تو بهترین اجابت کننده هستی، و بهترین خواننده شده‌ای، و تو بهترین کسی هستی که از تو یاری بجویند، و تو بهترین پروردگاری و تو بهترین توانا هستی، و تو بهترین آفریدگاری، و تو بهترین آغازگری، و تو بهترین بازگرداننده‌ای، و بهترین کسی هستی که از تو یاری جسته شود، و تو بهترین فریاد رس هستی.

فَأَسْأَلُكَ يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْفَعَالَ لِمَا يُرِيدُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ أَنْ تُكْرِمَنِي فِي مَقَامِي هَذَا وَفِيمَا بَعْدَهُ كَرَامَةً لَا تُهَيِّنُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا، وَأَنْ تَجْعَلَ أَفْضَلَ جَائِزَتِكَ الْيَوْمَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْقَوْزِ بِالْجَنَّةِ،

پس از تو می‌خواهم ای فریادرس اندوهگینان، و ای دادرس دادخواهان، و ای سرپرست مؤمنان، و انجام دهنده هر چه را خواهد، ای کریم، ای کریم، ای کریم، که مرا گرامی بداری در این جایگاهم و در آنچه بعد از آن است، گرامی داشتی که پس از آن هرگز خوار نسازی، و قرار دهی برترین جایزه‌ات را امروز، رها کردنم از آتش و رستگاری‌ام به بهشت،

وَأَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَشَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ، وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ، وَشَرَّ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَهُ وَبَرَأْتَهُ وَأَنْشَأْتَهُ وَابْتَدَعْتَهُ، وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبُرْدِ وَالرَّيْحِ وَالْمَطَرِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

و اینکه از من دور سازی شرّ هر ستمگر عناد پیشه را و شرّ هر شیطان سرکش را، و شرّ هر ضعیفی را از آفریدگانت یا شدیدی، و شرّ هر نزدیک یا دوری را، و شرّ هر که را آفریده‌ای و ساخته‌ای و به وجود آورده و پدید آورده‌ای، و از شرّ صاعقه‌ها و سرما و باد و باران، و از شرّ هر دارنده شری، و از شرّ هر جنبنده کوچک یا بزرگی در شب و روز که تو آن را در اختیار داری که پروردگرم به راهی پایدار است.